

آزمون تجربی نظریه التقاطی در بزهکاری کودکان و نوجوانان تهران بزرگ

دکتر زهرا سادات مشکاتی، استادیار گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

An Empirical Test of Combined Theory of Juvenile Delinquency

ABSTRACT

Juvenile delinquency is a social problem disturbing families, social institutions and government agencies. Delinquent juveniles lose valuable opportunities concerning their education and occupation.

This paper, has undertaken a field research on the causes of delinquency among juveniles arrested in the greater Tehran. The theoretical framework was established by combining the social control theory of Hirschi and the differential association theory of Sutherland and Cressy. The resultant theory made it possible to take account of both internal and external forces leading to delinquency.

From 140 boys and 15 girls of under 18 arrested in 1992 in the greater Tehran, ninety boys and all girls were randomly chosen for interview. Four variables showing delinquent acts and 81 independent variables concerning their personal characteristics, living environment and migrations, family support, beliefs and practices, association with criminals and pass-time activities and hobbies were measured.

A factor analysis were applied to reduce the size of data matrix. Thus, one factor was found as a response variable representing the intensity of youth's delinquency. The independent variables were reduced to 28 factors. A multiple regression analysis showed that only 3 factors were enough to explain the intensity of delinquency. Those factors are the "attachment", "beliefs and attitudes" and "association with criminals".

چکیده

بزهکاری نوجوانان مسئله‌ای اجتماعی است که موجب ناراحتی و رنج خانواده‌ها و باعث مشکلاتی برای نهادهای اجتماعی و موسسات دولتی می‌گردد.

به منظور پیشگیری از این رفتار نابهنجار، آگاهی کامل از علل بزهکاری ضروری به نظر می‌رسد.

در این مقاله، به بررسی میدانی موضوع بزهکاری نوجوانان که به جرم بزهکاری در تهران بزرگ در سال ۱۳۷۱ دستگیر شده‌اند، پرداخته‌ایم. چارچوب نظری این بررسی، یک نظریه التقاطی است که از تلفیق دو نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و پیوندهای افتراقی ساترلند و کرسی به وجود آورده‌ایم تا در تعیین علتهای هم نیروهای درونی و هم نیروهای بیرونی موثر در بزهکاری را به حساب آوریم. از بین ۱۴۰ پسر و ۱۵ دختر زیر ۱۸ سال که در آن سال دستگیر شده بودند، با ۹۰ پسر و همه دختران مصاحبه سازمان یافته به عمل آوردیم و چهار متغیر مربوط به معرف اعمال بزهکارانه و ۸۱ متغیر مستقل را که شامل خصوصیات فردی، وضع زندگی و مهاجرت، نظام حمایتی خانواده، باورها و عملکردها، ارتباط با بزهکاران و سرگرمیها و گذران اوقات فراغت بودند، اندازه‌گیری کرده‌ایم.

از روش آماری تحلیل عاملی برای تحویل داده‌ها به ابعادی کوچکتر استفاده کرده‌ایم. اجرای یک تحلیل رگرسیون چند گانه نشان داد که تنها سه عامل بر شدت بزهکاری اثر دارند و می‌توانند آن را تبیین کنند. این سه عامل عبارت بودند از: "وابستگی نوجوان به خانواده"، "باورها و نگرشها"، و "ارتباط با بزهکاران".

یافته‌های بررسی، فرضیه پژوهش را مبنی بر اینکه کنترل اجتماعی و پیوندهای افتراقی با بزهکاران به تنهایی یا به طور توام بر بزهکاری نوجوان اثر دارند را تایید کرد.

مقدمه

بیان مسئله و ضرورت پژوهش

مسئله بزهکاری نوجوانان یک پدیده پیچیده اجتماعی است و پژوهش در مورد این مسئله به منظور یافتن علل آن و دستیابی به راههای پیشگیری از آن از ضرورت و اهمیت شایانی برخوردار است. بررسی جامع در این مورد علاوه بر اینکه نیاز به یک نظریه جامع دارد که جمیع جوانب امر را در نظر بگیرد، طراحی پخته‌ای نیز

اوقات فراغت، دوستان و ازدواج مجدد پدر با بزهکاری دانش آموزان مرتبط بوده‌اند.

دقت در نحوه اجرای این پژوهشها و تحلیلهای آنها نقاط ضعف فراوانی را آشکار می‌سازد. مثلاً در (۶) بزهکاری با تعریفی وسیع مورد توجه قرار گرفته و اختلالات رفتاری از قبیل پرخاشگری و دعوی بین دانش آموزان نیز بزهکاری تلقی شده است. مرجع تعیین بزه نیز افرادی بوده‌اند که در امر تشخیص جرم و اثبات آن صلاحیت قانونی نداشته‌اند. از لحاظ تحلیل داده‌های گردآوری شده نیز به رابطه بزهکاری، هر بار با یکی از عوامل بر شمرده پرداخته‌اند و از رابطه بزهکاری با همه عوامل به طور همزمان که در برگیرنده تعامل بین آنها و میزان تشدید و تخفیف عوامل بر یکدیگر باشد، غافل مانده‌اند.

نگاهی اجمالی به پژوهشهای انجام شده در خارج از کشور می‌تواند ضمن فراهم کردن دیدگاهی وسیعتر به مسئله مورد بحث، ما را با عوامل موثر دیگری نیز آشنا سازد که در طراحی پژوهش حاضر از آنها بهره گرفته شده است.

در تک نگاشتی که به سال ۱۹۹۱ تحت عنوان بزهکاری نوجوانان، آثار کلاسیک و معاصر (۷) چاپ شده است، هدف گردآوردن بررسیهای کلاسیک ممتاز و نیز مقالات مهم و پژوهشهای معاصر در زمینه بزهکاری نوجوانان ذکر شده است. کتاب شامل پنج بخش است. مقالات بخش دوم این تک نگاشت ناظر به تبیین جامعه شناختی بزهکاری و نظریه‌های مختلف است، که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

دو نظریه عمده که تا حدی تبیین کننده بزهکاری بوده‌اند، عبارت‌اند از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی (۸) و نظریه پیوند افتراقی ساترلند و کرسی (۹).

برای آگاهی از نتایج برخی پژوهشها، در زیر خلاصه بسیار فشرده‌ای از دو مورد را که به کار ما مربوط می‌شوند، می‌آوریم.

در یک آزمون تجربی از نظریه کنترل هیرشی (۱۰)، اطلاعات از طریق پرسشنامه از ۷۲۴ دانش آموز در چهار دبیرستان و سه مرکز اصلاح و تربیت به دست آمدند. نتیجه این شد که نظر هیرشی وقتی برآورده می‌شود که متغیر دوستان بزهکار در تحلیل وارد شود. یافته‌ها بیشتر با نظریه پیوند افتراقی سازگار بودند تا با نظریه اصلی هیرشی درباره علل بزهکاری.

در یک بررسی تجربی دیگر ناظر به آزمون نظریه پیوند افتراقی (۱۱)، پژوهشگر به کاری فراتر از داشتن پیوندهایی با بزهکاران و ارتکاب بزه پرداخته و پیامدهای ارتباط با همالان* بزهکار، والدین بزهکار، و تعاریف بزهکاران از اعمال بزهکاری را بررسی می‌کند. بررسی بر روی پرسشنامه‌های گردآوری شده از ۱۵۸۸ دانش‌آموز غیر سیاهپوست، انجام شده است. متغیرهای گوناگونی از قبیل نظارت و حمایت خانواده، دوستان بزهکار و

برای اندازه‌گیری متغیرهای دخیل و روشهای مناسب آماری جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها را طلب می‌کند (۱).

بررسی سوابق موضوع که در بخش سوابق پژوهش به آن اشاره خواهد شد نشان می‌دهد که تا کنون هیچ نظریه واحدی نتوانسته است مشکل بزهکاری را بر حسب متغیرهای مستقل فردی و اجتماعی فرد بزهکار تعیین کند. دو نظریه‌ای که بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است یکی کنترل اجتماعی است که توسط هیرشی به مسئله بزهکاری تطبیق داده شده است و دیگری نظریه پیوندهای افتراقی است که در اصل توسط ساترلند و کرسی مطرح شده و بعدها اصلاحاتی در آن صورت گرفته است.

این پژوهش با استفاده از دو نظریه فوق یک نظریه التقاطی را به عنوان چارچوب پژوهش انتخاب کرده است و به بررسی پیرامون مسئله بزهکاری نوجوانان کشور پرداخته است.

سوابق پژوهش

پیچیدگی عوامل موثر بر پدیده بزهکاری سبب شده است که هر گروه از متخصصین آن را از دیدگاه خاصی بررسی کنند. روانشناسان و روانپزشکان از دیدگاه روانشناختی، حقوق دانان از دیدگاه جرم شناسی و مسائل کیفری، پزشکان و زیست شناسان از نظر عوامل موثر زیست شناختی و بالاخره جامعه شناسان مسئله را از دید آسیب شناسی اجتماعی بررسی کرده‌اند.

مروری بر پژوهشهای انجام شده در زمینه بزهکاری کودکان و نوجوانان ایران نشان می‌دهد که به غیر از چند کتاب تالیفی، در این زمینه پژوهشهای اصیل انجام شده بسیار معدودند. کتابهای تالیفی بیشتر مفاهیم را از منابع خارجی یا داخلی اقتباس کرده‌اند و با استدلالهای نظری و ذهنی به مسئله بزهکاری کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند. این آثار از آنجا که مبتنی بر نظریه‌ای زیر ساختی نبوده و در پی آزمون فرضیه‌هایی خاص نیستند، خارج از دایره پژوهشهای عینی قرار می‌گیرند (۳ و ۲).

پژوهشی که در شهر سنندج استان کردستان انجام شده است به تاثیر مهاجرت بر بزهکاری نوجوانان اشاره می‌کند و تضاد فرهنگی بین محیط زندگی قبلی و بعدی را مورد توجه قرار می‌دهد. در این گزارش اگر چه پژوهشگر با دیدی وسیع به اکثر عوامل موثر بر مسئله بزهکاری نگریسته است، اما بیشتر در حد توصیف باقی می‌ماند (۴).

غفوری غروی (۵) در سال ۱۳۵۹ به بررسی پرونده‌های اطفالی که در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برده‌اند، پرداخته است. در گزارش وی آمده است که بین ۴۰ تا ۵۰ درصد اطفال مورد بررسی در این پژوهش، متعلق به خانواده‌های گسسته‌اند. احدی و محسنی (۶) در سال ۱۳۷۰ به بررسی ۲۶۵۲ دانش آموز که بنا بر گزارش مربیان، معاونان و مدیران مدرسه دارای یکی از تخلفهای دزدی، همجنس‌بازی، اعتیاد و سایر اختلالات رفتاری بوده‌اند، می‌پردازند و آنها گزارش می‌دهند مهاجرت، به بطالت گذراندن

درگیر شدن در سرگرمیهای مدرسه و خانه و اشتغال به فعالیتهای فوق برنامه.

باورها: میزان اعتباری است که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است، در حالی که می تواند طبق میل خود از آنها تخلف کند، ولی پایبند به آنها باقی می ماند، مانند باور به نیکو کاری، باور به حسن شهرت و غیره.

این نظریه در عین حال که از دید جامعه شناختی توجه به عوامل بالقوه موثر بر بزهکاری دارد، از یک نظر نقص دارد و آن عدم توجه کافی به تاثیر محیط در بزهکاری یا عوامل بالفعل است. چنانکه توسط برخی پژوهشگران نیز نشان داده شده است (۱۱) تنها وابستگی، تعهد، درگیر بودن و باورهای قراردادی نمی توانند تبیین کننده عدم ارتکاب به بزهکاری باشند؛ در این میان رفقا، صاحبین بزهکار و به طور کلی همه خلافکاران نیز نقش مهم و شاید موثرتر از عوامل فوق داشته باشند.

نظریه پیوند افتراقی

بنابر این نظریه نزدیکان و همالانی که بزهکار باشند در تشکیل و تقویت نگرش بزهکاری کمک موثر می کنند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می دهند. نظریه پیوند افتراقی محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه اش با خانواده، با محله و رفقا و صاحبین در نظر می گیرد.

این نظریه ابتدا از سوی ساترلند و کرسی (۱۱) مطرح گردید و بعداً توسط دوفلور و کوپنی (۹) به صورت زیر فرمول بندی شد. انگیزه ها، نگرشها و روشهای بزهکارانه اند که به طور موثر به ارتکاب مکرر جرائم می انجامند. پیوستن با بزهکاران یا جدا شدن از غیر بزهکاران (پیوند افتراقی) به فراگیری مطالبی می انجامد که موافق تخلف از قوانین است. تکرار و غلبه کمی مطالبی که تعاریفی موافق بزهکاری و قانون شکنی ارائه می کنند بر فراگرفته هایی که ضد بزهکاری اند منجر به پذیرش بزهکاری می شوند.

نظریه کنترل اجتماعی با تکیه بر نیروهای درونی فرد و به اصطلاح با تمرکز به حضور روانشناختی افراد صاحب نفوذ در ذهن کودک و نوجوان به تبیین و چگونگی جلوگیری از بزهکاری می پردازد. در همین حال از تاثیر نیروهای منفی محیط بیرون غافل می ماند. در عوض در نظریه پیوندهای افتراقی با توجه انحصاری به نیروهای بیرونی از تاثیر حفاظتی نیروهای درونی غفلت می کنند. طبیعی است که شخص با توجه به توانایی نسبی این نظریه ها و پی بردن به نقص آنها، بتواند نظریه ای تلفیقی که از ترکیب آن دو پدید می آید، بنا نهد.

نظریه تقاطعی کنترل و پیوند

نظریه تلفیقی ما شامل دو مولفه است که مولفه اول را کنترلهای خانوادگی، اجتماعی، روابط عاطفی کودک و نوجوان با افراد مهم در

تعداد آنها، محله جرم خیز، شنیدن تعاریف مساعد و نامساعد برای تخلف از قوانین، کیفیت مدرسه از لحاظ وجود دانش آموزان بزهکار و تاثیر آنها بر شدت بزهکاری، مورد تحلیلهای گوناگون آماری قرار می گیرند. یافته ها حاکی از عدم کفایت نظر ساترلند و کرسی مبنی بر اینکه زندگی خانوادگی وقتی در بزهکاری اهمیت دارد که الگوهای بزهکاری برای تقلید وجود داشته باشند، می باشد. نظارت و حمایت خانواده از نوجوانان در تخفیف شدت بزهکاری آنها موثر است.

از مطالب فوق پیداست که با مسئله ای با این پیچیدگی نمی توان به وسیله بررسیهای ساده و با روشهای تحلیلی ابتدایی یک متغیره و با ساده نگری صرف روبرو شد. به همین جهت بررسی جامع در مورد مسئله بزهکاری نیاز به یک چارچوب نظری و طراحی اندیشیده شده برای اندازه گیری متغیرهای دخیل دارد.

چارچوب نظری پژوهش

دو نظریه ای که بیش از همه مورد توجه قرار گرفته اند، یکی نظریه کنترل اجتماعی دورکیم است که توسط هیرشی به مسئله بزهکاری تطبیق داده شده است. دیگری نظریه پیوندهای افتراقی است که در اصل توسط ساترلند و کرسی مطرح شده و بعدها اصلاحاتی در آن صورت گرفته است (۹). نظریه تلفیقی مورد نظر ما از ترکیب این دو نظریه حاصل شده است. برای بیان اصول این نظریه ابتدا خلاصه ای از دو نظریه فوق را بیان می کنیم، سپس با بیان ضعف هر یک به تلفیق آن دو پرداخته و نظریه ای جامع بنا نهاده به عنوان چهار چوب نظری پژوهش خود به کار می بریم.

نظریه کنترل اجتماعی

به عقیده هیرشی بزهکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی باید در عرصه خانواده، محله، مدرسه، همسالان و سایر ارگانها یا موسسات اجتماعی که نوجوان به نوعی در آنها عضویت دارد، بررسی گردد. هیرشی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند یا به کلی از بین بروند. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی خلاصه می کند:

وابستگی: حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می دهد، در حقیقت یک نوع قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی می کند. این وابستگی را هیرشی همپایه وجدان و یا من برتر می داند.

تعهد: میزان مخاطره ای است که فرد در تخلف از رفتارهای قراردادی اجتماع می کند. بدین معنی فردی که خود را نسبت به قیود اجتماعی متعهد می داند از قبول این مخاطرات پرهیز می کند. اگر وابستگی را همپایه وجدان بدانیم، تعهد همپایه عقل سلیم یا خود است.

درگیر بودن: میزان مشغولیت فرد در فعالیتهای مختلف است، که باعث می شود او وقت برای انجام کار خلاف نداشته باشد. مثل

نمونه مورد بررسی

از بین پسران تعداد ۹۰ نفر به تصادف انتخاب شدند و همه دختران برای بررسی در نظر گرفته شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات

اطلاعات این بررسی از راه مصاحبه سازمان یافته توسط پژوهشگران و دستیاران آنها گردآوری شدند. پرسشنامه‌ای شامل ۸۹ سوال در هفت بخش تهیه و دسته‌بندی سوالها بر مبنای چارچوب نظری پژوهش صورت گرفته است، (این چارچوب در نمودار ۱ به تصویر در آمده است).

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

میزان و شدت بزهکاری کودک و نوجوان متغیر وابسته است که از چهار جزء دفعات ارتکاب جرم، دفعات دستگیری، نحوه ارتکاب جرم به صورت فردی یا جمعی و نقش بزهکار در ارتکاب جرم به عنوان رهبر، مجری، یا نگهبان تشکیل شده است. چگونگی اندازه گیری متغیر وابسته از طریق تحویل چهار جزء فوق به یک عامل به کمک روش آماری تحلیل عاملی صورت گرفته است. این متغیر را در فرموله‌ایانما ۷ نشان داده‌ایم.

متغیرهای مستقل

تعداد ۷۹ متغیر مستقل در ۶ گروه به شرح زیر از هر فرد بزهکار اندازه‌گیری شده‌اند:

الف - مشخصات فردی: هفت متغیر مستقل سن، محل تولد، تحصیلات، وضع سواد، محل زندگی، شغل و مدت اشتغال.

ب - متغیرهای محیط زندگی و وضع مهاجرت: که سوالهای مربوط به وضع محیط زندگی و وضع مهاجرت را در بردارد و در فرمولها با نمادهای X_1 تا X_6 نشان داده شده‌اند.

ج - متغیرهای نظام حمایتی خانوار شامل سوالهای مربوط به وضع خانواده، ساختار آن و رابطه نوجوان با افراد خانواده به تعداد ۳۱ سوال که با نمادهای X_7 تا X_{31} مشخص شده‌اند.

د - متغیرهای اعتقادات و عملکردها: سوالهای مربوط به باورهای اخلاقی، مذهبی، تقید به انجام اعمال شرعی، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، تصرف در اموال غیر، مردم آزاری، فرار، نوع نگرش نسبت به قانون و مجریان قانون به تعداد ۱۹ متغیر که با نمادهای X_{32} تا X_{50} نشان داده می‌شوند.

ه - متغیرهای تماس با خلافکاران: تعداد دوستان و نزدیکان خلافکار و بازداشت شده، وجود افراد خلافکار در همسایگی، در محله و شهرت محله به مکان بزهکاری، شامل ۴ متغیر با نمادهای X_{51} تا X_{54} .

و - متغیرهای گذراندن اوقات فراغت و علائق: سوالهای مربوط به رابطه نوجوان با مدرسه و معلمان، ترک تحصیل، سرگرمیها و علائق ورزشی به تعداد ۷ متغیر با نمادهای X_{55} تا X_{61} و X_{62} تا X_{80} .

زندگی او از قبیل اقوام، معلمان، دوستان صالح و غیره تشکیل می‌دهند و نقش بازدارنده در گرایش به بزهکاری دارند. مولفه دوم را نیروهای وارده بر کودک و نوجوان از طرف والدین بزهکار، محله جرم خیز و کسانی که به نحوی گفتار و رفتارشان بر کودک و نوجوان اثر می‌گذارند و او را در جهت بزهکاری سوق می‌دهند، تشکیل می‌دهد. بدیهی است که بین مولفه اول و دوم کشمکش در بین است و تعامل بین آن دوست که نهایتاً موضع کودک و نوجوان را نسبت به بزهکاری تعیین می‌کند.

در این بررسی این نظریه تلفیقی که به صورت مدلی تحلیلی در نمودار ۱ نشان داده شده است، چارچوب نظری پژوهش را تشکیل می‌دهد.

هدفهای پژوهش

هدفهای این پژوهش را به دو صورت زیر تحت عنوان هدفهای کلی و جزئی می‌توان بیان کرد.

هدفهای کلی:

تعیین تاثیر نظریه کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی در بزهکاری نوجوانان

هدفهای جزئی

۱- تعیین تاثیر وابستگی، تعهد، درگیر بودن، اعتقادات مذهبی در بزهکاری نوجوانان (نظریه کنترل اجتماعی)

۲- تعیین تاثیر خانواده، اقوام، به نزدیکان و دوستان محل زندگی در بزهکاری نوجوانان (نظریه پیوند افتراقی)

فرضیه پژوهش

کنترل اجتماعی (وابستگی، تعهد، درگیر بودن، اعتقادات مذهبی) و پیوندهای افتراقی با بزهکاران (خانواده، اقوام، نزدیکان، دوستان و محل زندگی) به تنهایی یا به طور توأم بر بزهکاری نوجوان اثر دارند. هر قدر که میزان کنترل زیاد بوده پیوند و تماس با بزهکاران کمتر باشد، از شدت بزهکاری کودک و نوجوان کاسته می‌شود.

روش و مواد

جمعیت مورد بررسی

جمعیت مورد بررسی کودکان و نوجوانان بزهکار زیر ۱۸ سال اند که قانوناً بزهکار شناخته شده و در تهران دستگیر می‌شوند. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۱ نمونه‌ای از این جمعیت، متشکل بود از ۱۴۰ پسر که در کانون اصلاح و تربیت مرکز تهران و ۱۵ دختر که در زندان اوین، بخش زنان نگهداری می‌شدند.

نتایج

توصیف آماری نمونه بزهکاران

نمونه بزهکاران مورد بحث دارای میانگین سنی ۱۶ سال، میانگین سالهای تحصیلی ۱/۳۸ و میانگین بعد خانوار ۵/۳ نفر بود. تعداد سالهای تحصیلی پدران و مادران آنها به طور متوسط به ترتیب به ۰/۵ و ۰/۴۵ سال و میانگین درآمد سرانه در خانوار آنها حدود سی هزار ریال بود.

ملاحظه می شود که این افراد از خانوادهای پر جمعیت، فقیر و بی سواد برخاسته اند. برای کشف میزان تاثیر این خصوصیات و متغیرهای دیگری که خصوصیات اعتقادی، عملکردی، فرهنگی و اجتماعی آنها را نشان می دهند به تحلیلهای آماری استنباطی نیاز داریم.

تحلیل استنباطی

با استفاده از روش تحلیل عاملی اطلاعات موجود در چند متغیر

به نحوی به تعدادی متغیر جدید که عامل نامیده می شوند تحویل گردید به نحوی که ۸۱ متغیر مورد مطالعه به ۲۹ عامل کاهش یافت (۲۸ عامل مستقل $F_{10} - F_{28}$ و یک عامل وابسته) (۱۳).

برای کشف رابطه بین شدت بزهکاری با ۲۸ عامل مستقل دیگر از تحلیل رگرسیون چندگانه به صورت چند مرحله ای گام به گام و لوژیستیک و لگ خطی به کمک نرم افزارهای SPSS و Minitab استفاده شده است. از بین ۲۸ عامل مستقلی که از طریق تحلیل عاملی به دست آمده بودند تنها سه عامل F_{10} و F_{22} و F_{24} عاملهای موثر شناخته شدند. خلاصه ای از نتایج حاصل را در جدول ۱ و ۲ می بینیم. از جدول ۱ چنین بر می آید که سه عامل نظام خانوار (F_{10})، اعتقادات نوجوان (F_{22})، ارتباط نوجوان با خلافکاران (مفهوم پیوند افتراقی و مولفه های ارتباط نوجوان با دوستان، اقوام و خلافکاران در محل زندگی) توانسته اند تاثیر معنی دار بر شدت بزهکاری داشته باشند.

معادله رگرسیونی عبارت است از:

$$Y = 2/8 + 0/27F_{24} + 0/37F_{22} - 0/81F_{10}$$

جدول ۱- برازاندن معادله رگرسیونی به داده های بزهکاری با عامل وابسته شدت بزهکاری

سطح معنی داری ۱	ملاک ۱	خطای معیار ضریب	ضریب	عامل مستقل
۰/۰۰۱۹	۳/۱۹۶	۰/۰۸۳۳	۰/۲۶۶۳۱	F_{24}
۰/۰۰۵۷	۲/۸۲۴	۰/۱۳۲۴۰	۰/۳۷۳۹۵	F_{22}
۰/۰۳۷۴	-۲/۱۱۰	۰/۰۸۴۶۲	-۰/۱۷۸۵۱	F_{10}
۰/۰۰۰۰	۱۶/۶۹۲	۰/۱۳۶۶۷	۲/۲۸۱۳۰	ثابت معادله

در جدول شماره ۲، رسایی مدل فوق برای تبیین شدت بزهکاری آزمون شده است. پیداست که مدل مذکور به داده ها برازش

بسیار خوبی دارد و می تواند در جهت پیش بینی شدت بزهکاری از روی عواملی که در مدل موجودند، به کار گرفته شود.

جدول ۲- آنالیز واریانس رگرسیون شدت بزهکاری برحسب عوامل مستقل

سطح معنی داری F	F	میانگین مجزورات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	منبع تغییرات
۰/۰۰۰۰	۱۱/۵۶۳۳۲	۵/۳۶۱۲۶	۱۶/۰۸۳۷۷	۳	رگرسیون
		۰/۴۶۳۶۴	۴۶/۸۲۸۰۰	۱۰۱	خطا

تفسیر نتایج

نتایجی که از تلفیق دو نظریه پیوند افتراقی و کنترل اجتماعی از این آزمون تجربی حاصل شده است، بیانگر آنست که عامل F_{10} که نشانه یا شاخص مولفه وابستگی نوجوان به خانواده و مولفه وضع سلامت خانواده است با شدت بزهکاری موثر است. بدین معنی که هر چه پیوندهای عاطفی نوجوان با والدین بیشتر باشد و همچنین سلامت خانواده از نظر روابط بین پدر و مادر فرزندان سالم تر و امن تر باشد بزهکاری نوجوانان بیشتر کاهش می یابد.

این مدل رگرسیونی حاکی از آن است که هر قدر F_{22} (اعتقادات نوجوان) و F_{24} (ارتباط نوجوان با خلافکاران) زیاد شوند، شدت بزهکاری نیز افزایش خواهد یافت. بر عکس هر قدر نظام حمایتی خانوار (F_{10}) افزایش یابد، شدت بزهکاری کاهش خواهد یافت. تفسیر این معادله بر حسب متغیرهای اصلی در زیر مورد بحث قرار گرفته است.

افتراقی ساترلند و کرسی شاخص تماس با خلافکاران در بزهکاری نوجوانان تاثیر داشته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین گفت که عوامل درونی و بیرونی نوجوان در بزهکار شدن او موثر هستند و این تاثیر به شرح زیر تبیین می‌شود.

عامل وابستگی که حضور پدر و مادر در خانواده، آرام بودن محیط خانواده، پایداری وضعیت خانواده و نیز وجود صمیمیت بین نوجوان و والدین را نشان می‌دهد، مانع از بزهکاری نوجوانان می‌شود.

یکی دیگر از عامل‌هایی که در این بررسی، ارتباط معنی داری با بزهکاری نشان داده است، عامل اعتقادات است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهند که اعتقاد منفی نسبت به پلیس، ضابطه‌های قانونی و حلال و حرام بودن، ارتکاب جرم را زیاد می‌کند. علت این طرز نگرش آن است که باورهای منفی و نادرست خانواده و دوستان و معاشران نوجوان، می‌تواند نگرش نوجوان را تحت تاثیر قرار دهد. تکرار اعمال قبیح، از قبح این اعمال در نزد هر کس، بخصوص نوجوان می‌کاهد و این عصاره نظریه پیوند افتراقی است. اما چنانکه دیدیم این امر فقط در غیاب کنترل‌های خانواده و معتقدات درست می‌تواند تحقق یابد.

مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی که فرایندهای هشیاری فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهند و باعث پایین آوردن عزت نفس و یا حتی از بین بردن آن می‌شوند در ارتکاب بزهکاری دخیل‌اند. به طوری که شخص برای به دست آوردن ماده مخدر یا هر اعتیاد دیگر دست به دزدی، آدم کشی و انواع کجروپهای اجتماعی می‌زند.

عامل دیگری که در این بررسی اثر خود بر بزهکاری را آشکار ساخت، عامل ارتباط با بزهکاران است. در این عامل چنانکه دیدیم، غلبه با دوستان بزهکار در درجه اول و سپس وجود همسایگان خلافکار و زندگی در محله بزه‌خیز است.

منابع

- ۱- پیکازرز، جرم شناسی (ترجمه دکتر نجفی ایرند آبادی، علی حسین)، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۳۰، چاپ اول، ۱۳۷۰
- ۲- قائمی، محمد. بررسی عوامل موثر در تکرار جرم (۱۳۵۳). پایان‌نامه، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، تهران.
- ۳- نعمت زاده بایگی، حسن. بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی آلونک نشینان ده متری خیابان (۱۳۵۳). پایان‌نامه، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، تهران.
- ۴- ولیدی، دکتر محمد صالح. (۱۳۵۸). کودکان، تحلیلی از شرایط محیط طبیعی و اجتماعی این استان در ارتباط با بزهکاری.
- ۵- غفوری غروی، دکتر سید حسین. انگیزه شناسی جنایی (۱۳۵۹). انتشارات دانشگاه

تاثیر عامل F22 که نشانه یا شاخص مولفه اعتقادات و عملکردهای نوجوان است در شدت بزهکاری بدین ترتیب است که هر چه اعتقادات نوجوان به حلال و حرام، ثواب و گناه و یا فکر کردن به گناه یا حرام بودن عمل در حین ارتکاب جرم بیشتر باشد از شدت بزهکاری کاسته می‌شود. اما هر چه صرف مشروبات الکلی، استفاده از مواد مخدر و خشونت با دیگران و عدم اعتقاد به حرمت مال دیگران بیشتر باشد، شدت جرم افزایش می‌یابد.

عامل F24 به طور کلی مفهوم پیوند افتراقی و مولفه‌های ارتباط نوجوان با دوستان، اقوام، همسایگان خلافکار، و زندگی در محله بزهکاران است. بررسی متغیرهای موجود در این عامل نشان می‌دهد که وجود همسایگان خلافکار، معرفیت محله مسکونی نوجوان به مکان بزهکاران بر شدت بزهکاری تاثیر دارند.

در کل رابطه رگرسیونی اثر F22 قوی‌تر از F24 و اثر آن قوی‌تر از F10 است. یعنی عامل اعتقادات و باورها، عامل درجه اول، عامل پیوند با بزهکاران عامل درجه دوم و عامل وابستگی به خانواده و وضع خانواده، عامل درجه سوم است. پس، برای کاستن از شدت بزهکاری باید باورها و اعتقادات نیکو تقویت شوند، ارتباط با بزهکاران قطع گردد و صمیمیت با والدین و آرامش خانوادگی تشدید شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این بررسی، فرضیه پژوهشگران را که معتقدند پیوندهای افتراقی و کنترل اجتماعی به تنهایی برای تبیین بزهکاری کافی نیستند، ولی توأماً می‌توانند در تبیین بزهکاری موثر باشند، مورد تایید قرار می‌دهد. زیرا از ۴ مولفه وابستگی، تعهد، درگیر بودن، و باورها در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی دو مولفه وابستگی و باورهای نوجوانان در ارتکاب بزه جرم تاثیر داشته‌اند. از نظریه پیوند

ملی، تهران.

۶- احدی، دکتر حسن و محسنی، دکتر نیکجه، (۱۳۷۰). روانشناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی، انتشارات چاپ نشر و بنیاد، تهران.

- 7- Thompson, William E. and Jack E. Bynum (1991). Juvenile delinquency: Classic and Contemporary Readings. Boston, Allyn and Bacon.
- 8- Hirschi, Travis, (1969). Causes of Delinquency. Berkeley, University of California Press.
- 9- De Fleur, Melvin and Richard Quinney, (1966). A Reformulation of Sutherland's Differential Association Verification. Journal of

- Research in Crime and Delinquency. 3 (January): 1-11.
- 10- Thompson, William E., Jim Mitchel, and Richard A. Dodder (1984). An Empirical Test of Hirschi's Control Theory of Delinquency. *Deviant Behavior*. Vol.15: 11-12.
 - 11- Jensen, Gray F. (1972). Parents, Peer and Delinquent Action: A test of the Differential Association Perspective. *American Journal of Sociology*. Vol. 78, 562-575.
 - 12- Johnson, R.A. and Dean, W. Wichem (1988). *Applied Multivariate Statistical Analysis* (2nd ed.). New Jersey Prentice-Hall.
 - 13- Ronald F. Kingsley (1989). A peer Connection Program: An In-school Resource for High Risk-Delinquency Prone Student. *Juvenile & Family Court Journal*. 1989 Vol.40, No.3, 25-28.